



علی مطهری اعلام کرد احتمال نامزدی برای انتخابات ۱۴۰۰

گروه سیاست: علی مطهری نامزدی برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ را تلویحا تأیید کرد. مطهری در گفت‌وگویی که با سایت شفقنا داشته، در پاسخ به پرسشی در این باره گفته است: «بستگی به شرایط دارد. اگر احساس کنم آنجا جایی است...

صفحه ۲

شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ • ۲۸ شعبان ۱۴۴۰ • ۴ می ۲۰۱۹

تنترها

نظارت مفقوده بر خصولتی‌ها

صفحه ۴

نگاهی به جلد سوم خاطرات لطفاً الله میثمی
نه مبارزه مذهبی کردم
و نه سیاسی؛ مبارزه
نظامی کردم

صفحه ۶

انتقاد وزیر از داروخانه‌ها

صفحه ۱۳



دایی: بعدا معلوم می‌شود من چه کسی بودم
پراید ۵۰ میلیونی
علی دایی را اخراج کرد

صفحه ۱۴

حرف اول

اهمیت اصلاح قیمت بنزین

علی ششم اردکانی

سوخت سرمایه‌ای میان‌نسلی است که برای حفظ آن، باید برنامه‌ای کاملا روشن و مدون وجود داشته باشد. بنزین یارانه‌ای، هرگز نتوانسته است مسئله رشد اقتصادی در ایران را حل کند. در ترکیه به‌های بنزین بیش از ۱۰ برابر به‌های این فراورده در ایران است و درباره رشد اقتصادی آن در سال‌های اخیر هم بارها صحبت شده است. اگر سوخت ارزان و پرداخت یارانه نقدی به اقشار پردرآمد جامعه که خودرو سوار هستند، می‌توانست رشد اقتصادی و توسعه به دنبال داشته باشد، امروز شرایط ایران به گونه‌ای دیگر بود. دولت به هر لیت‌ر بنزین بیش از پنج هزار تومان و به هر لیت‌ر نفت‌گاز نزدیک به پنج هزار و ۵۰۰ تومان یارانه اختصاص داده است. سود این یارانه از یک سو برای افراد ثروتمندی که چندین خودرو در پارکینگ منازل خود دارند محاسبه شده و در سوی مقابل، قاچاقچیان سوخت را با توجه به جهش قیمت دلار، هر روز برای قاچاق بنزین حریص‌تر کرده است. این مثال را همواره زده‌ام که صاحب یک دستگاه خودروی نجومی پورشه، چهار برابر صاحب یک پراید که از اقشار متوسط به پایین محسوب می‌شود، یارانه بنزین را به جیب می‌زند. اما مسئله نگران‌کننده‌تر، رشد هرروزه مصرف بنزین در کشور و قاچاق روزافزون آن است که رکوردهای عجیبی را به ثبت رسانده است. لابی قاچاقچیان سوخت و عناصر پشت پرده آن، حتما همه تلاش خود را برای حفظ وضعیت فعلی به کار می‌گیرند و اصلاح ضروری قیمت حامل‌های انرژی را با موانع جدی مواجه می‌کنند. برخی برآوردها حاکی از آن است که روزانه ۱۵ میلیون دلار قاچاق انواع سوخت رقم می‌خورد و نزدیک به ۱۰ میلیون دلار سود از این مسیر در جیب قاچاقچیان، سبکینی می‌کند. اینکه دولت به فکر اصلاح قیمت بنزین افتاده اگرچه امری دیر هنگام است اما می‌تواند با شیوه‌هایی، حداقل به بهبود وضعیت فعلی منجر شود. می‌توان برای تمام اقشار جامعه، سهمیه‌ای مشخص از یارانه سوخت به‌ویژه بنزین و گازوئیل در نظر گرفت. تعداد زیادی از ایرانیان، خودروی شخصی ندارند پس می‌توانند این سهمیه خود را در بازاری متشکل به دولت یا به مصرف‌کننده واقعی با قیمت فوب خلیج فارس بفروشند. از این رو هم با قاچاق، یک برخورد علمی و اصولی خواهد شد و هم، تقسیم عادلانه یارانه رخ می‌دهد.

ادامه در صفحه ۲



طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس در بوته نقد کارشناسان نظام‌های انتخاباتی

اصلاحی که بحران می‌آفریند

صفحه ۱۵



زنگنه:

تهدید ایران بی‌پاسخ نخواهد ماند

ابراز نگرانی دبیرکل اوپک در گفت‌وگو با «شرق»:
وجود تفرقه بین اعضا
خطر آفرین است

صفحه ۵

یادداشت

مسیر خطرناک سعودی علیه ایران

ترامپ سعی کرد با فضاسازی‌های کاذب علیه ایران، به نتانیاهو کمک کند تا در انتخابات داخلی اسرائیل پیروز شود. ماجرای انتقال سفارت امریکا به بیت‌المقدس و همچنین ادعای مالکیت اسرائیل بر سر بلندی‌های جولان، همزمان با سکوت کشورهای عربی که همواره ادعای حمایت‌های عربی دارند نشان داد سعودی‌ها همچنان تصمیم ندارند نسبت به تغییر مواضع، اقدام خاصی انجام دهند. قبل از اینکه کشورهای منطقه، عربی و اسلامی بخوانند اقدامی برای جولان انجام دهند، باید نگران سرزمین‌های خودشان هم باشند؛ برای مثال اگر روزی ترامپ اعلام کرد که صحرای سینا هم طبق فرمولی که پمپئو بیان کرده باید دودستی به اسرائیل داده شود، در این صورت مصر هم باید این نگرانی را نسبت به سرزمین خود داشته باشد، حتی عربستان هم باید نگران تمامیت ارضی خودش باشد؛ چراکه زمانی پهلوی‌ها در اطراف مکه و مدینه زندگی می‌کردند. سعودی‌ها برای تداوم استفاده غرب از رفتارهای ثبات‌زدای اسرائیل علیه ایران، سکوت پیشه کرده‌اند، درحالی‌که دست‌درازی به سرزمین‌هایی که آنها به عنوان سرزمین عربی نام‌گذاری کرده‌اند، حداقل باید این واکنش را در پی داشته باشد که آنها نسبت به تعامل اقتصادی و تجاری با رژیم صهیونیستی تجدید نظر کرده و همچنین از دولت سوریه برای حضور در اجلاس اتحادیه عرب که در تونس تشکیل شد، دعوت کنند. اینها نشان می‌دهد علانمی از بهبود رفتار سیاست‌های عربستان سعودی علیه ایران مشاهده نمی‌شود. باید منتظر ماند و دید ریاض پس از ملاحظه این همه رفتارهایی که انجام داده و شکست‌هایی که متحمل شده است، چه زمانی می‌خواهد در رفتارها و سیاست‌های اعلامی و تبلیغاتی خود تجدیدنظر کند. پس از ماجرای قتل متحده، عربستان را دعوت به تولید روزافزون می‌کند تا با فرصت نفت ارزان، تولید و صادرات نفت شیل را دنبال کنند و از طرف دیگر با ایجاد تنش در منطقه، به فروش تسلیحات ادامه دهند. ایران به‌عنوان یک کشور دموکراتیک، باتیات و مسئولیت‌پذیر در ارتباط با کشورهای گوناگون، باید مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و طرح‌ها را تبیین کند و مخاطراتی را که اتفاقات اخیر در آمریکا و منطقه برای اقتصاد، امنیت و صلح و ثبات منطقه و جهان در پی دارد، به جهانیان گوشزد کند. دونالد ترامپ، جان بولتون و پمپئو در پی ایجاد نوعی درهم‌ریختگی در خاورمیانه هستند و با این رویه عملا سعی می‌کنند واقعیت‌های تحمیلی ایجاد کنند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

ترامپ دوباره رئیس‌جمهور می‌شود؟

۵۰ دوران اخیر، جنجال‌برانگیزترین کاندیداهای منتخب از این دو حزب، اوباما و ترامپ بوده‌اند. انتخاب اوباما که یک آمریکایی دورگه آفریقایی‌تبار بود، موجب شگفتی مردم خود آمریکا و جهان شد؛ البته اوباما از خانواده‌ای با پیشینه بردگی نیست؛ پدر او روشنفکری آفریقایی بود که برای تحصیل به آمریکا آمده و با یک آمریکایی سفیدپوست ازدواج کرده بود. اوباما فردی باهوش و روشنفکر با مدرک دکتر از دانشگاه هاروارد در رشته حقوق است. همسرش نیز دست‌کمی از او ندارد؛ با این تفاوت که اجداد او پیشینه بردگی دارند. انتخاب اوباما، در آمریکا انقلاب به شمار می‌آمد و نشانه موفقیت‌آمیزی از بالغ‌شدن مبارزات ضدبردگی در آن کشور بود. در مقابل، ترامپ رئیس‌جمهوری صدردرد دست‌راستی با شباهت بسیار زیاد به قدرتمندان سابق مشرق‌زمینی اروپایی است و انسان را یاد هیتلر و موسولینی می‌اندازد. تحصیلات و پیشینه حرفه‌ای او ارتباطی به کشورداری ندارد؛ اما در میان آن بخش از مردم آمریکا که اجدادشان به صورت مهاجران فقیر از اروپا، به‌ویژه اروپای شرقی، به قاره آمریکا مهاجرت کرده‌اند، از محبوبیت خاصی برخوردار است. خواننده محترم باید توجه داشته باشد که برخلاف بسیاری از ملل قدیمی، آمریکا را یک ملت واحد تشکیل نمی‌دهد؛ ایالات متحده آمریکا از ایالت‌ها و گروه‌هایی تشکیل شده است که هر یک ویژگی‌ها، پیشینه، فرهنگ و داستان متفاوتی از دیگران دارد. برای مثال، نسل‌های گذشته بیشتر مهاجران ایالات شمال غربی از کشورهای اسکاندیناوی‌اند که یک سر و گردن متدین‌تر و دموکرات‌تر از مردم ایالات جنوبی آمریکا هستند. حتی مسیحیت در آمریکا سر و گردن واحد و یکسانی را تشکیل نمی‌دهد؛ در واشنگتن‌دی‌سی، پایتخت آمریکا، خیابانی است به نام «بنوه‌مشایر» که از مرکز شهر واشنگتن به سوی عمده‌ای غربی امتداد یافته و به شهری به نام «دمشق» می‌رسد؛ در این مسیر شمار درخور توجهی از کلیساهای مذاهب متفاوت مسیحی، معابد بودایی، مساجد مسلمانان، کنیسه‌های یهودیان و عبادتگاه‌های ادیان دیگر وجود دارد که هر یک در مراسم مذهبی خود در آنجا عبادت می‌کنند. این عبادتگاه‌ها خود موسسه‌ای از فرهنگ مذهبی گوناگون آمریکایی‌ها هستند. مسیحیان آفریقایی‌تبار در عبادت روز یکشنبه با صدای بلند آواز می‌خوانند و تصویر مسیح سیاه‌پوست را در کلیسای خود نصب می‌کنند. مسیحیان کاتولیک با رای‌دهندگان شده بودند، جبران کند. در آمریکا تقریباً هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه به نسبت ۵۰-

ادامه در صفحه ۴

مقاله‌ای تفصیلی از پرویز پیران

نیمه پر لیوان در شرایط مصیبت جمعی

شرق: غرش طبیعت به‌جان آمده از تخریب گسترده و بدون توقف، در کنار سودجویی و زیاده‌خواهی به هر شکل و از هر راه ازجمله نابودی جنگل‌ها و دست‌اندازی به حریم رودخانه‌ها و مسیل‌ها با مدیریت بی‌ناکارآمد و روبه‌رو با فساد افسارگسیخته...

صفحه ۸

سال شانزدهم • شماره ۳۴۱۸ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

وفاداران منافع «من»

احمد غلامی . سردبیر



ناپایداری در سیاست اتفاق تازه‌ای نیست. ناپایداری در تصمیمات حاصل تشست آرا و گاه اختلاف منافع است. این ناپایداری در سیاست داخلی که در چهار دهه گذشته نیز وجود داشته، اکنون به مسئله‌ای جدی تغییر شکل داده است. در رهگیری ناپایداری سیاست داخلی در ایران، به نکات درخور توجهی برمی‌خوریم که شاید در تحلیل وضعیت کنونی بی‌تأثیر نباشد. دولت موقت، یکی از ناپایدارترین دولت‌های انقلاب بوده است؛ دولتی که به‌ندرت توانست تصمیمی قاطع و درخور اعتنا بگیرد و روی آن پافشاری کند. مشکل دولت موقت آن بود که از «رویداد» به معنای واقعی درک درستی نداشت. مصلحانی بودند که به‌سرعت در پی اعلام دوره پس‌انقلابی بودند و این استراتژی چندان با وضعیت موجود همخوانی نداشت؛ دورانی که رهبر انقلاب، امام خمینی، با شور و حرارت در کانون انقلاب بود و همچنین این استراتژی مغایر با روح رویداد بود؛ روحی که تازه در کالبد جامعه دمیده شده بود و به این باور رایج دامن زده بود که انقلاب همه کارها را خودش روبه‌راه می‌کند. مردم نه از انقلاب که از روح جمعی انقلاب فرمان می‌گرفتند و حاضر نبودند بپذیرند انقلاب تمام شده و پس‌انقلاب با سالخوردگانی از دیروز به راه خود ادامه خواهد داد. این نافی روح انقلاب بود و نافی آن شوروی که گاه حتی رهبرانش را نیز در پی خود می‌کشاند. اگر بگویم دولت موقت درک درستی از رویداد و ویژگی‌های آن نداشت، اغراق نکرده‌ایم. مردم وفاداری به رویداد را از دولت موقت طلب می‌کردند ولی آنان دل در پس‌انقلاب داشتند. با آغاز جنگ همان چیزی اتفاق افتاد که همگان انتظارش را می‌کشیدند؛ تداوم آرمان‌های انقلاب، این بار در جنگی دینی و میهنی. با جنگ و انقلاب دوم، میرحسین موسوی بر مسند دولت نشست و توانست از طریق جنگ و مدیریت آن، به رویداد وفاداری نشان بدهد. ازاین‌رو دولت او توانست با همه ناپایداری‌ها و مدیران متوسط، صرفاً به دلیل پیروی از منش و روح انقلاب اثرگذار باشد و در خاطره جمعی انقلابیون به نیکی بماند. هاشمی‌رفسنجانی رؤیای دولت موقت را گرفت و در حرف و عمل اعلام پس‌انقلاب کرد. هاشمی، دولت را جایگزین انقلاب کرد تا با ماشین دولت و بوروکراسی آن، روح انقلابی را مهار کند و ناپایداری در تصمیمات و تعداد مدیران نالایق را کاهش دهد. هاشمی‌رفسنجانی، وفاداری به انقلاب را با وفاداری به دولت و به تعبیری وفاداری به ما تاخت زد. ناگفته پیداست بخشی از انقلابیون و مردم نیز او را همراهی کردند. در دولت هاشمی‌رفسنجانی تصمیمات پایدار بسیاری گرفته شد و مدیران کمتری صرفاً با رنگ‌بندی انقلابی بر مسند قدرت نشستند. دولت سازندگی هرچه خواست اعلام وضعیت پس‌انقلابی کند، نتوانست. این ناتوانی بیش از آنکه معلول شرایط باشد، ناشی از شخصیت دوگانه هاشمی‌رفسنجانی بود که در پی آن بودند تا نگذارند آن انقلاب که برایشان همه‌چیز بود، از ریخت بقیفت و در دولت خلاصه شود. ازاین‌رو دولت محمد خاتمی هم دولت بود و هم نبود. در این دوران بود که تصمیمات ناپایدار محصول تناقضات سیاسی، به اوج خود رسید؛ اما تناقضات و ناپایداری تصمیمات آسبی جدی به سیاست داخلی ایران نمی‌زد و دست بر قضا آن را شکوفا می‌کرد. دولت اصلاحات مبدع قرائت تازه‌ای از انقلاب بود و انقلابیون ستنی آن را برننافتند. آنان سودای تکرار رویداد انقلاب اسلامی سال ۵۷ را در سر می‌پروراندند با همان مختصات؛ غافل از اینکه وفاداری به رویداد، به معنای استمرار و تکرار آن نیست. از دل این برداشت احمدی‌نژاد سر برآورد که خود را مصداق انقلاب می‌دید؛ مصداق انقلابی که ابتدا به «من» انقلابی و در نهایت به «من» احمدی‌نژاد استحاله یافت. وضعیت کنونی سیاست داخلی ایران، ناپایداری و ناکارآمدی آن تسری و تداوم همین رویکرد به سیاست است. ناپایداری و ناکارآمدی که اگر از صداقت و شور انقلابی تهی شده باشد، به معضلی جدی بدل خواهد شد. اینک ناکارآمدی و ناپایداری دوقلوهای به‌هم چسبیده‌اند که از یکدیگر تغذیه می‌کنند. ناکارآمدی مدیران در رأس دولت، رقیبان سیاسی دولتی و رسمی را تعریف می‌کند تا تصمیمات این مدیران را ناپایدار کنند و خود در این عرصه جلوه‌نمایی کنند.

ادامه در صفحه ۴